



فقر و غنا از دیدگاه قرآن

رضا پرواس

مسئولیت ثروتمندان

مطلوب برای ثروتمندان این است که پس از بدست آوردن ثروت از راه حلال، به آن نگرش صحیح داشته باشند و آن را نعمت الهی بدانند چنانکه:

۱. آخرت را در آن چه خدا به او داده است طلب کند: «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب»^۷ و به دنیایش در حد متعارف برسد.
۲. «بهرهات را از دنیا فراموش مکن»^۸.
۳. با ثروتش به دیگران فخر نفروشد و در زمین طغیان نکند، به شکرانه نعمتی که خدا به او داده به خلق نیکی کند «و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن»^۹.
۴. ثروتش را در راه فساد و تباهی به کار نگیرد «و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست ندارد»^{۱۰}.
۵. افزون بر مسئولیت‌های پیشین، ثروتمندان در برابر فقیران مسئولیت ویژه دارند. برای آنان یگانه راه پیمودن تکامل، رسیدگی به یتیمان و اطعام مسکینان است.

پی نوشت‌ها:

۱. کهف، آیه ۷۹
۲. فاطر، آیه ۱۵
۳. سبأ، آیه ۳۱ و ۳۲
۴. بقره، آیه ۲۳۷
۵. نور، آیه ۳۲
۶. توبه، آیه ۶۰
- ۷-۱۰. قصص، آیه ۷۷

۴. فقر و غنای اقتصادی: «اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز می‌سازد»^۶ «زکات‌ها مخصوص فقیران و مسکینان است»^۷.

پیشگیری و رفع فقر

خداوند متعال برای پیشگیری و رفع فقر مکانیسم دقیقی و ظریفی به کار گرفته است که با وجود نفقه، مشکل بار تکفل اجتماعی زیر سنین پانزده سال و بالای شصت و پنج سال - که بخش عمده‌ی اقشار آسیب‌پذیر را تشکیل می‌دهند- اگر نگوییم حل می‌شود، دست کم به شدت کاهش می‌یابد؛ چرا که افراد زیر پانزده سال را فرزندان تشکیل می‌دهند و نفقه‌ی آنان بر پدر واجب شده و افراد بالای شصت و پنج سال پدر، مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ را شامل می‌شود و نفقه‌ی آنان در صورت فقر بر فرزندان و در غیاب آن‌ها بر نوه‌ها و ... واجب است. در صورت انجام این تکلیف، بخش بزرگی از افرادی که آسیب‌پذیر هستند از جمعیت فقر خارج می‌شوند؛ چرا که معمولاً افراد دارای سنین بالا، دست کم یک فرزند، نوه یا نتیجه دارند. همانطور که افراد زیر پانزده سال معمولاً دارای پدر، مادر، پدر بزرگ یا مادر بزرگ هستند.

در مورد باقی کسانی که در فقر بسر می‌برند، شارع مقدس برای رفع فقر و سایر مخارج آنان، پرداخت بخشی از مال را به عنوان خمس، زکات، یا در قالب جرایم مالی مثل کفارات واجب کرده است.

قرآن کریم برای فقر واژه‌هایی مانند فقر، فقیر، فاقره، ضعیف، مستضعف و مسکین؛ و برای غنا واژه‌هایی چون غنی، اغنیاء، ذامال، ذوعسره، میسره، ملاء، مترفین و مستکبرین را به کار برده است.

در معنای کلمه‌ی مسکین اختلاف وجود دارد. بعضی آن را فقیری دانسته‌اند که وضعیت بدتری دارد و برخی عکس آن را گفته‌اند. گاهی در قرآن، این کلمه به کار رفته و منظور، بیشتر فقر قدرت است، نه کسی که مال و ثروتی نداشته باشد و به عبارتی فقر مطلق منظور نیست: «اما کشتی برای مسکین بود»^۱.

فقر و غنا در قرآن به معنای متعدد، از قبیل معانی زیر به کار رفته است:

۱. فقر و غنای ذاتی: «ای مردم شما همگی نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته‌ی هرگونه ستایش است»^۲.
۲. فقر و غنای فرهنگی: از این گونه فقر و غنا در قرآن با واژه‌های استکبار و استضعاف یاد شده است: «مستضعفان به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم، اما مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: آیا ما شما را از هدایت باز داشتیم بعد از آن که به سراغ شما آمد و آن را به خوبی دریافتید؟ بلکه شما خود مجرم بودید»^۳.
۳. غنای نفس: «و از شدت خویشتن داری، افراد ناگاه آن‌ها را بی‌نیاز می‌پندارند»^۴. در واقع منظور از غنای نفس، حالت روحی است که انسان را از درخواست از دیگران باز می‌دارد.